

عوامل تعیین کننده نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد

مرجان صباغچی*، عباس عسکری ندوشن**، فاطمه ترابی***

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۱)

چکیده

ابعاد گوناگون رفتاری و نگرشی مرتبط با ازدواج و خانواده در ایران، طی دهه‌های اخیر تغییر کرده‌اند. مقاله حاضر نگرش‌های ازدواج را در پنج بُعد شامل نگرش نسبت به تجرد، ازدواج غیرخویشاوندی، اولویت ازدواج بر تحصیلات برای دختران، تأخیر ازدواج جوانان و رابطه دوستی قبل از ازدواج مورد مطالعه قرار می‌دهد. داده‌های تحقیق از طریق پیمایش در بین ۷۲۳ نفر از زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر یزد گردآوری شده است. یافته‌ها بیانگر آن است که تفاوت‌های نگرشی زنان شهر یزد به ابعاد مختلف ازدواج و تشکیل خانواده، برحسب متغیرهای زمینه‌ای (نظیر سن و وضعیت تأهل) مستقل از تأثیر عوامل و متغیرهای فرهنگی و ارزشی چندین چشمگیر نیست. در مقابل، متغیرهایی نظیر فردگرایی، خودتحقق‌بخشی و سرمایه فرهنگی اهمیت نسبی بیشتری در تبیین این تفاوت‌های نگرشی ایفا می‌کنند. به اختصار، این نتایج، هماهنگ با آن دسته از تبیین‌های نظری است که تفاوت‌ها و تغییرات نگرشی ازدواج و خانواده را در کهکشان گسترده‌تر تحولات فرهنگی و ارزشی جوامع معاصر می‌نگرند. با این وجود، چگونگی فرآیند ادغام نگرش‌ها، عقاید و اخلاقیات خانواده با مؤلفه‌های ارزشی کلان و روبه‌گسترشی نظیر فردگرایی، خودتحقق‌بخشی و حتی طیف وسیعی از ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی بررسی نشده در این پژوهش، نظیر اشاعه ایده‌های توسعه، برابری جنسیتی، فرامادی‌گرایی و ... مستلزم تحقیقات جداگانه‌ای است.

واژگان کلیدی: نگرش به ازدواج، فردگرایی، سرمایه فرهنگی، خودتحقق‌بخشی، زنان، شهر

یزد.

m.sabaghchi@stu.yazd.ac.ir

aaskarin@yazd.ac.ir

ftorabi@ut.ac.ir

* دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، دانشگاه یزد

**دانشیار جمعیت‌شناسی، دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)

***استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

مقدمه

تغییرات فرهنگی و نگرشی جوامع معاصر، یکی از موضوعاتی است که به طور گسترده‌ای مورد توجه دانشمندان و صاحب‌نظران اجتماعی قرار داشته است. به‌ویژه از نیمه دوم قرن بیستم به این سو، اهمیت و شتاب تحولات نیرومند فرهنگی، ارزشی و نگرشی در بین جوامع گوناگون به طور روزافزونی شدت گرفته و از اینرو، مطالعه تفاوت‌ها و تغییرات نگرشی و ایده‌ای به یکی از موضوعات محوری مطالعات اجتماعی تبدیل شده است. نگرش‌ها و ایده‌آل‌های فرهنگی از نشان دهنده نقشه میان ذهنی جمعی و مشترکی است که آنچه خوب و اخلاقی را تعریف می‌کند؛ اهداف و ابزارهای مطلوب را تعیین می‌کند؛ روابط و نقش‌های مناسب را مشخص می‌کند؛ و نهایتاً رفتارها و تصمیم‌گیری‌ها را جهت می‌دهد و هدایت می‌کند (ترنتون و همکاران، ۲۰۱۵).

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی در جوامع بشری است که همواره نقش محوری در سازماندهی مسیر زندگی افراد، شکل دادن به هویت فردی و روابط صمیمانه بین اعضا، ترتیبات زندگی، فرزندآوری و فرزندپروری داشته و به واسطه همین نقش‌های متعدد و کلیدی آن، مطالعه نگرش‌ها و ایده‌آل‌های اجتماعی نسبت به آن ضرورت اساسی دارد. ابعاد مختلف خانواده در ایران آنگونه که تحقیقات اخیر نشان داده‌اند، تغییرات مختلفی را تجربه کرده‌اند.

کاهش باروری و کوچک شدن بُعد خانوار، گسترش خانواده هسته‌ای، به تأخیر انداختن ازدواج و فرزندآوری، افزایش طلاق و جدایی، افزایش خانوارهای زن سرپرست، گذار از ازدواج‌های ترتیب یافته به ازدواج‌های مبتنی بر انتخاب‌های فردی، تغییر روابط جنسیتی و بین‌نسلی (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۷) از جمله تغییرات خانواده در ایران است. شواهد و آمارها مؤید آن است که در فاصله سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰، متوسط سن ازدواج زنان از ۱۸/۴ به ۲۳/۴ و سن ازدواج مردان از ۲۵/۰ به ۲۶/۷ افزایش یافته است (ترابی و عسکری‌ندوشن ۱۳۹۱: ۱۳۹۵). در همین دوره زمانی، میزان باروری کل از ۷/۷ به ۱/۸ تنزل یافته است. (عباسی‌شوازی و همکاران، ۲۰۰۹)، افزایش استفاده از روش‌های پیشگیری از ۱۴ درصد در سال ۱۳۴۵ به بیش از ۷۰ درصد تا اوایل دهه ۱۳۸۰ (مه‌ریار و همکاران، ۲۰۰۲)، تحوّل در الگوی تعامل دختران و پسران قبل از ازدواج و افزایش مشارکت جوانان در انتخاب

عوامل تعیین کننده نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد ۱۳۳

همسر و افزایش طلاق همراه با تغییر دلایل و ماهیت آن (عسکری‌ندوشن و همکاران، ۲۰۰۶)، شواهدی از تغییرات در رفتارها و کارکردهای نهاد خانواده در ایران در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ می‌باشد.

روندهای فوق در جامعه ایران، توأم با تغییراتی بوده است که در الگوهای نگرشی و ایده‌ای خانواده روی داده است. با وجود همسویی نسبی در روند کلی تغییرات نگرشی و رفتاری خانواده در ایران، تمایزات و تفاوت‌های محلی و منطقه‌ای نیز در نواحی مختلف کشور قابل مشاهده است. شهر یزد، به‌عنوان میدان تحقیق حاضر، در دهه‌های اخیر شاهد تغییراتی در رفتارها، کارکردها و نگرش‌های خانواده بوده است. یزد، به‌رغم برخورداری از سطح نسبتاً بالای توسعه‌یافتگی در کشور، هنوز فرهنگ مذهبی و بسیاری از ویژگی‌های سنتی خانواده را حفظ کرده است. به‌گونه‌ای که در مقایسه با کل کشور، در یزد تأکیدهای اجتماعی بر ابعادی نظیر استحکام بنیان خانواده، سن به نسبت پایین‌تر ازدواج مردان و زنان، نقش مهم خانواده و بزرگترها در نظارت بر فرآیند انتخاب همسر و تشکیل خانواده جوانان، ازدواج خویشاوندی و... همچنان پررنگ و نیرومند است (عسکری‌ندوشن و همکاران، زیر چاپ). همچنین از نظر نگرش نسبت به ازدواج زودرس و اهمیت و استحکام بنیان خانواده، یزد جامعه‌ای سنت‌گراست که آن را در زمره شهرهای سنتی و مذهبی ایران قرار می‌دهد. آمیزه منحصر به فرد عناصر سنتی و مدرن در این شهر، بستر اجتماعی مناسبی را برای مطالعه تفاوت‌ها و تغییرات رفتاری و نگرشی خانواده و ازدواج فراهم نموده است.

همزمان با تحولات ساختاری جوامع در بستر نوسازی و توسعه، تغییرات و دگرگونی‌های نگرشی و ارزشی محسوسی نیز در ابعاد و عناصر خانواده و ازدواج صورت گرفته، که بررسی جامع‌تر این تغییرات نگرشی، با توجه به این‌که تغییرات نگرشی می‌تواند زمینه‌ساز تحولات رفتاری باشد، ضروری می‌باشد. تاکنون، مطالعات مختلفی تلاش کرده‌اند، علل و ویژگی‌های تغییرات ازدواج در ایران را بررسی نمایند، (سرایبی ۱۳۸۵، عباسی‌شوازی و ترابی ۱۳۸۵، صادقی و همکاران ۱۳۸۶، سرایبی ۱۳۸۷، عباسی‌شوازی و عسکری‌ندوشن ۱۳۸۷، عسکری‌ندوشن و همکاران ۱۳۸۸، کاظمی ۱۳۸۹، حسینی ۱۳۹۱، حسینی و گراوند ۱۳۹۲، تشکری و تامپسون، ۱۹۸۸ و ...)، اگرچه مطالعات فوق، تلاشی ارزشمند برای درک برخی از این تحولات در ایران تلقی می‌شود، اما با توجه به آثار و پیامدهای مهم رفتاری تغییرات

نگرشی و نیز پویایی ابعاد نگرشی، مطالعه مستمر آن‌ها به منظور درک تغییرات در حال وقوع در حوزه‌های ازدواج و خانواده ضرورت دارد. از جمله دلایل اهمیت و ضرورت مطالعه نگرش‌ها در این حوزه را می‌توان مربوط به پیامدهای رفتاری نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده، سیالیت و تغییر مستمر و مداوم نگرش‌ها و در عین حال وابستگی آن‌ها به بستر زمانی و مکانی دانست. علاوه بر این، نگرش‌های عمومی به موضوعات ازدواج و تشکیل خانواده منعکس‌کننده ارزش‌های اجتماعی و ارزش‌گذاری اجتماعی به این موضوع می‌باشد. ماهیت متفاوت تجربیات رفتاری خانواده در نسل‌های جدید و همچنین جابجایی در افق‌های ذهنی و نگرشی در سالیان اخیر، ضرورت کنکاش و فهم و تحلیل درست تغییرات خانواده را در خور توجه و پر اهمیت می‌سازد.

مطالعه حاضر بر مبنای تحقیق میدانی به دنبال پاسخ به این سوالات است؛ نخست آنکه، نگرش‌های مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد چگونه است؟ دوم این‌که، تفاوت‌های نگرشی بر حسب متغیرهای جمعیتی نظیر سن، وضعیت تأهل، وضعیت فعالیت، تحصیلات و همچنین رابطه متغیرهای ارزشی - نگرشی نظیر فردگرایی، خودتحقق بخشی و سرمایه فرهنگی با نگرش به ابعاد مختلف ازدواج و خانواده چگونه است؟ و در آخر، عوامل تبیین‌کننده نگرش‌ها کدامند؟

چارچوب نظری

از موضوعات مهم و مورد علاقه برای محققین اجتماعی، مطالعه چگونگی تأثیر تحولات اجتماعی بر رفتارها و نگرش‌های خانواده بوده است (گود^۱، ۱۹۶۳؛ تورنتون، ۲۰۰۵). با این حال، تغییرات اجتماعی ممکن است در سطوح مختلفی رخ دهد و بر ابعاد و عناصر خانواده تأثیرگذار باشد. رویکردها و تبیین‌های نظری مطرح در زمینه تغییرات ازدواج و خانواده را می‌توان به سه گروه تقسیم نمود؛

گروه اول، تبیین‌های ساختاری^۲ که تأکید بیشتری بر نقش تغییرات ساختاری جامعه در تبیین تغییرات خانواده دارند؛ یکی از رایج‌ترین و پرکاربردترین تبیین‌های ساختاری، تئوری

1- Good

2- Structural Explanation

مدرنیزاسیون^۱ است که در حوزه تبیین تحولات خانواده توسط صاحب نظرانی مانند ویلیام مطرح شده، تحت عنوان نظریه همگرایی خانواده شناخته می‌شود. مدرنیزاسیون با ترجیح خانواده هسته‌ای، فردمحوری در مقابل خانواده‌محوری، بهبود موقعیت زنان، گسترش تحصیلات عمومی، شهرنشینی و ازدواج‌های با انتخاب آزاد، تشکیل خانواده در سنین بالاتر را تشویق می‌کند (محمودیان، ۱۳۸۳، ۳۴-۲۹). این تئوری بر این باور است که گذار جوامع از نظم سنتی به نظم مدرن باعث تغییراتی در سطوح مختلف کلان، میانی و خرد و در بین تمامی گروه‌ها شده که این تغییرات به نوبه خود موجب دگرگونی در نگرش‌ها، ارزش‌ها، انتظارات، خواسته‌ها و... خواهند شد (حبیب‌پور و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۳). همچنین فرایند مدرنیزاسیون با تغییر نگرش‌ها و ایده‌های افراد جامعه همراه است، این فرایند در سطوح مختلف فردی و اجتماعی، ازدواج و الگوهای آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به طوری که در دنیای امروزی افراد به نگرش‌هایی به خصوص در زمینه انتخاب همسر دست یافته‌اند که دایره انتخاب همسر را محدودتر می‌کند. مک‌دونالد^۲ (۲۰۰۶) نیز در قالب تئوری نوسازی بازاندیشانه^۳ معتقد است که اگرچه فرایند نوسازی، آزادی و استقلال بیشتری را برای افراد به ارمغان آورده، لیکن آن‌ها را با عدم اطمینان بیشتری نسبت به آینده مواجه ساخته است، بنابراین تا موقعی که افراد شغل دائم و باثبات و توانایی بر عهده گرفتن خانواده را نداشته باشند، ازدواج نمی‌کنند و تشکیل خانواده نخواهند داد.

گروه دوم، تبیین‌های ایده‌ای^۴ که بیشتر بر نقش عوامل فرهنگی و تغییر ایده‌ها در تبیین تغییرات خانواده تأکید می‌کنند؛ در بین تبیین‌های ایده‌ای و نگرشی، تئوری گذار جمعیتی دوم^۵ بر تأثیر هماهنگ عوامل اقتصادی و اجتماعی (به ویژه تضعیف کنترل هنجاری و افزایش استقلال اقتصادی زنان)، فرهنگی (سکولاریزاسیون) و فناوری مدرن (جلوگیری از حاملگی)، بر افزایش سن ازدواج تأکید دارد. این عوامل، در کنار همدیگر، ترجیحات و سلیق افراد را به سمت فردگرایی، آزادی و استقلال تغییر داده و در نتیجه باعث کاهش سن ازدواج شده‌اند.

-
- 1- Modernization
 - 2- McDonald
 - 3- Reflexive Modernization Theory
 - 4- Ideational Explanation
 - 5- Second demographic transition

سکولاریسم، جنبش‌های رهایی‌بخش، گسترش ارزش‌های فرامادی‌گرایی (نظیر توسعه شخصی و خودشکوفایی)، تردید نسبت به نهادها و افزایش بی‌تابی نسبت به دخالت افراد بیرونی در زندگی شخصی (از هر نوع منبع اقتدار) جزء جنبه‌های مختلف تحوّل در ارزش‌ها هستند که به نوبه خود باعث شده‌اند تا فرد بر طبق اراده آزاد، خود برای زندگی‌اش تصمیم بگیرد (روزینا و فرابونی^۱، ۲۰۰۴). این تئوری، تغییرات بنیادین ارزشی و گسترش ایده‌های پسامادی‌گرایانه، یعنی تأکید بر استقلال فردی و خودتحقق‌بخشی را عامل تغییرات نوین خانواده تلقی می‌کند. گروه سوّم، تبیین‌های حداکثرسازی مطلوبیت^۲ اقتصادی ازدواج که بر اساس این تئوری‌ها، ازدواج مانند سایر رفتارهای اقتصادی، یک مدل حداکثرسازی مطلوبیت به شمار می‌رود. فرض اساسی نظریه مبادله در تبیین‌های عقلانیت اقتصادی آن است که مردم در انتخاب‌های خود منطقی بوده و درصدد به حداکثر رساندن سود خود از انتخاب و برقراری رابطه با دیگران هستند. بارتز و نای^۳ (۱۹۷۰) با کاربرد این نظریه در مورد ازدواج، دو دسته از عوامل تعیین‌کننده ازدواج را مشخص کرده‌اند: دسته اول، آن‌هایی هستند که باعث می‌شوند ازدواج برای فرد رضایت بیشتری را نسبت به مجرد ماندن تأمین کند و دسته دوّم، آن‌هایی که باعث می‌شوند ازدواج در میان بسیاری از جایگزین‌های نامطلوب، برای فرد کمتر نامطلوب باشد. گرچه هر کدام از این دیدگاه‌های تئوریک تلاش کرده‌اند تا عوامل تغییرات خانواده و سازوکار تأثیرگذاری آن‌ها را توضیح دهند، اما قدر مسلم این‌که تأثیر عوامل ساختاری، ایده‌ای و اقتصادی تغییرات خانواده در بین همه گروه‌ها و لایه‌های اجتماعی یکسان و همزمان نیست؛ لذا نمی‌توان یکی از این تئوری‌ها را به تنهایی برای تبیین تحولات ازدواج و خانواده مورد استفاده قرار داد.

در مجموع، پژوهش حاضر، براساس واکاوی دیدگاه‌های نظری و مطالعات تجربی موجود، فرضیاتی را در خصوص مکانیزم ارتباط میان دو گروه از عوامل با تفاوت‌های نگرشی نسبت به موضوع ازدواج و تشکیل خانواده در بستر اجتماعی شهر یزد آزمون می‌کند: الف) عوامل زمینه‌ای و ب) مؤلفه‌های ارزشی - فرهنگی. به منظور ارزیابی سهم عوامل زمینه‌ای، نقش

1- Rosina & Fraboni
2- Utility Maximization
3- Bartz and Nye

عوامل تعیین کننده نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد ۱۳۷

عواملی نظیر سن، وضع تأهل، وضع فعالیت، تحصیلات و تحصیلات والدین در تبیین تفاوت‌ها در نگرش به ابعاد مختلف ازدواج، مورد بررسی قرار می‌گیرد. جهت ارزیابی اهمیت نسبی عوامل ارزشی - فرهنگی در تبیین تفاوت‌های موجود در نگرش به ابعاد مختلف ازدواج نیز مؤلفه‌هایی نظیر فردگرایی، خودتحقق‌بخشی و سرمایه فرهنگی مورد بررسی و آزمون قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

یکی از حوزه‌ها و علایق مهم پژوهشی اندیشمندان اجتماعی، مسائل و تغییرات ایده‌ای و نگرشی در حوزه ازدواج و خانواده بوده است که در ادامه به مرور برخی از پژوهش‌های انجام شده داخلی و خارجی در ابعاد مختلف نگرش به ازدواج، پرداخته می‌شود.

یافته‌های پژوهش عباسی شوازی، عسکری ندوشن و تورنتون (۲۰۱۲؛ همچنین عباسی شوازی و عسکری ندوشن ۱۳۸۷)، در زمینه مطالعه آرمان‌گرایی توسعه و ارتباط آن با تفاوت‌ها و تغییرات نگرشی خانواده در شهر یزد نشان داد که گسترش ایده‌آل‌های مرتبط با توسعه و پیشرفت نیرویی عمده و تأثیرگذار بر نگرش‌های جمعیتی و خانوادگی افراد بوده است. براساس یافته‌های مطالعات مذکور، در بین مردم سطح بالایی از اطلاع و آگاهی نسبت به ایده‌ها و مدل‌های توسعه وجود دارد و مردم در ارزیابی نگرش‌ها و رفتارهای جمعیتی و خانوادگی، از این ایده‌ها و مدل‌ها استفاده می‌نمایند. همچنین اکثریت قابل توجهی از پاسخگویان، توسعه را با ویژگی‌های خاصی از خانواده در ارتباط می‌دانند و بر این باورند که توسعه می‌تواند موجب تغییرات خانواده شود و از سوی دیگر، تغییرات خانواده نظیر کاهش باروری و افزایش سن ازدواج می‌تواند به بهبود و تسریع توسعه کمک کند.

نتایج مطالعه عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۸۸)، توافق نظر هر دو نسل مادران و دختران در مورد سن مناسب ازدواج و مخالفت با چندهمسری مردان و تفاوت در ایده‌ها و نگرش‌های دختران و مادران در ابعادی نظیر ازدواج خویشاوندی، نحوه انتخاب همسر و مجرد ماندن را نشان می‌دهد. مطالعه عباسی شوازی و خانی (۱۳۸۸)، نشان داد که با گذشت زمان در کوهورت‌های ازدواجی گروه‌های قومی و مذهبی، سن ازدواج و گزینش آزادانه همسر افزایش یافته و نسبت ازدواج خویشاوندی با کاهش اندکی همراه بوده است. میرسندهی و قلعه‌سفیدی (۱۳۹۰)، در

مطالعه خود نشان دادند که سطح تحصیلات بالای زنان به عنوان عامل مهم، مؤثر و پیش‌بینی‌کننده - ای در تأخیر اقدام به ازدواج زنان متأهل شهر تهران به حساب می‌آید.

پژوهش علمدار (۱۳۸۶)، نشان داد که رشد سرمایه فرهنگی از جمله رسانه‌ها و نفوذ آن در زندگی فردی و اجتماعی، منجر به ظهور تغییرات در بستر زندگی اجتماعی شده است؛ نظیر بالا رفتن سن ازدواج و تأخیر در ازدواج. پژوهش موحد، عنایت و عباسی‌شوازی (۱۳۸۵)، نشان داد متغیرهای اولویت‌های ارزشی/فرامادی، اعتقادات دینی، پایبندی به ارزش‌های - دینی، نگرش خانواده، نگرش دوستان، جنسیت و میزان هزینه شخصی دارای رابطه معنادار آماری با معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج بوده‌اند.

ماکیکو^۱ (۲۰۱۴)، با بررسی ارتباط بین منابع اقتصادی زنان (اشتغال تمام وقت، تحصیلات و درآمد) به بررسی نگرش آن‌ها نسبت به ازدواج در ۳۱ کشور (N=۱۴۸۲۷) پرداخت. یافته‌ها نشان از آن است که استقلال اقتصادی زنان به خودی خود که جذابیت ازدواج را کاهش نمی‌دهد، اما ناسازگاری بین کار و زندگی خانوادگی آرمان ازدواج زنان را کاهش می‌دهد.

نتایج پژوهش گابرن اسکایا^۲ (۲۰۱۰)، در ۶ کشور اتریش، آلمان (غرب)، بریتانیا، ایرلند، هلند و ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد، مطابق با ایده نهادی شدن ازدواج و تئوری گذار جمعیتی دوّم، افکار عمومی در این کشورها به دور از هنجارهای سنتی جهانی ازدواج و باروری جهانی در حال حرکت است. در تمام این کشورها، زنان، هرگز ازدواج نکرده‌ها، تحصیل بالاتر، اشتغال و افراد کمتر مذهبی، دیدگاه‌های سنتی کمتری در مورد ازدواج و فرزندان دارند.

طبق نتایج تحقیق میترا^۳ (۲۰۰۴)، افزایش تحصیلات والدین بر افزایش سن ازدواج پاسخگویان تأثیر داشته است. مخصوصاً تحصیلات مادر در این مورد مهم‌تر بوده است. نوسازی با تغییر ساختار سنی و جنسی جمعیت و تغییر ایده‌ها و ارزش‌های مرتبط با ازدواج، وضعیت افراد آماده ازدواج از لحاظ در دسترس بودن همسر مناسب را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

کوئیسومبیک و هالمن^۴ (۲۰۰۳)، تأثیر گسترش و همگانی شدن تحصیلات بر روی ازدواج را بررسی کرده و نشان داده‌اند که تحصیلات افراد بر روی سن ازدواج، انتظار از روابط

1- Makiko

2- Gubernskaya

3- Mitra

4- Quisumbing & Hallman

عوامل تعیین کننده نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد ۱۳۹

زناشویی و نحوه انتخاب همسر تأثیر داشته است. لستهاق و نیلز^۱ (۲۰۰۲)، در زمینه تفاوت گذار اول و دوم جمعیتی در زمینه‌های اجتماعی بیان می‌کند که در گذار اول جمعیتی نیازهای اساسی مادی (درآمد، تحصیل، سلامت و ...) مورد توجه بوده است، در حالی که در گذار دوم نیازهای سطح بالا همچون خودشکوفایی مطرح می‌شود و باعث تأخیر در ازدواج و تغییر نگرش‌ها می‌شود.

تورنتون و فریدمن^۲ (۱۹۸۲)، پژوهشی با عنوان تغییر نگرش نسبت به ازدواج و مجرد انجام دادند. براساس این پژوهش، مشروعیت مجرد به عنوان یک سبک زندگی به طور فزاینده در بین جوانان و والدین آن‌ها به رسمیت شناخته شده و اولویت ازدواج در دو دهه گذشته تغییر کرده است. آنچه در مورد ازدواج تغییر کرده است، افزایش سن ازدواج، به ویژه برای زنان، اولویت یافتن تحصیلات و همچنین به دست آوردن تجربه کاری قبل از ازدواج است.

مالهوترا^۳ و همکاران (۱۹۹۲)، نشان دادند که نگرش دختران و مادران‌شان نسبت به ازدواج مدرن گردیده و در تبیین این وضعیت، گسترش تحصیلات و استفاده از رسانه‌ها مهم بوده است؛ به گونه‌ای که در بستر جامعه‌ای که فرصت‌های تحصیلی و رفاه اجتماعی برای زنان در دسترس باشد، مادران و دختران بر ابعاد فردی ازدواج تأکید دارند تا ابعاد خانودگی.

علاوه بر این مطالعات دیگری نیز به بررسی ابعاد نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده نظیر مجرد (سیتومارانگ، ۲۰۰۵؛ هامیلتون و همکاران، ۲۰۰۰؛ تشکری و تامپسون، ۱۹۸۸)، ازدواج خویشاوندی (حسینی، ۱۳۹۱؛ عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵)، اولویت تحصیلات (ماینج^۴، ۱۹۹۷؛ فرگوسن^۵، ۲۰۰۰)، تأخیر در ازدواج (ردفورد^۶ و دیگران، ۲۰۰۱؛ لیستر^۷ و دیگران، ۱۹۹۲؛ گلاس^۸، ۱۹۹۲؛ استرنج، ۱۹۷۵؛ حبیب‌پور گتایی و غفاری، ۱۳۹۰) ارز رازقی نصرآباد و فلاح‌نژاد، ۱۳۹۶؛ دوستی قبل از ازدواج (خواججه‌نوری و دل‌آرام، ۱۳۹۱؛ وزارت فرهنگ و ارشاد

-
- 1- Lesthaghe & Neels
 2. Thoronton & Friedman
 - 3- Malhotra
 - 4- Nguyen Huu Minh
 - 5- Ferguson
 - 6- Retherford
 - 7- Lichter
 - 8- Glass

اسلامی، ۱۳۸۲؛ مارتین^۱ و دیگران، ۲۰۰۳) پرداخته‌اند.

علی‌رغم تحقیقات فوق، به نظر می‌رسد انجام پژوهشی که بتواند به طور جداگانه ابعاد مختلف نگرش به ازدواج نظیر: نگرش به مجرد، نگرش به ازدواج خویشاوندی، نگرش به اولویت تحصیلات بر ازدواج برای دختران، نگرش به تأخیر ازدواج جوانان و نگرش به دوستی قبل از ازدواج و همچنین تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی مرتبط با نگرش به این موضوعات را مورد کنکاش و تحلیل قرار دهد، اهمیت دارد. علاوه بر این، انجام چنین مطالعه‌ای می‌تواند به روزآمد کردن نتایج مطالعات پیشین (عسکری‌ندوشن، عباسی‌شوازی و صادقی، ۱۳۸۸؛ عباسی‌شوازی و عسکری‌ندوشن، ۱۳۸۷؛ عباسی‌شوازی و عسکری‌ندوشن، ۱۳۸۴)، کمک نماید.

روش تحقیق و داده‌ها

شهر یزد، به عنوان میدان تحقیق، مرکز استان یزد و بزرگترین شهر آن محسوب می‌شود. این شهر در طول چند دهه گذشته سهم عمده‌ای از جمعیت مهاجران شهری و روستایی داخل و خارج از استان را پذیرفته و بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۹۰، با جمعیت ۵۸۲،۶۸۲ نفر، به تنهایی حدود نیمی از کل جمعیت استان را در خود جای داده است.

از جهت فرهنگی و اجتماعی، شهر یزد و به‌طور کلی استان یزد از چندین ویژگی فرهنگی برخوردار است. نخست آن‌که، استان یزد دارای جمعیت همگون است و تنوعات قومی، زبانی و مذهبی چشمگیر در آن وجود ندارد. از نظر زبانی نیز اکثریت فارسی‌زبان‌اند و اقلیت‌های قومی نیز در این استان وجود ندارد. ثانیاً، با وجود این‌که این استان، از نظر شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی، استانی صنعتی و در زمره استان‌های توسعه‌یافته در کشور قرار دارد، هنوز بسیاری از ویژگی‌های سنتی خانواده و فرهنگ مذهبی را حفظ نموده است (عباسی‌شوازی و عسکری‌ندوشن، ۱۳۸۷: ۵۸) از این‌رو، یزد آمیزه‌ای منحصر به فرد از ترکیب عناصر مدرن و سنتی را در خود مجسم کرده است. مطالعه نگرش‌های اجتماعی نسبت به ازدواج و خانواده در بستر اجتماعی مذهبی و خانواده‌گرای شهر یزد که در معرض نیروهای تغییر اجتماعی قرار گرفته است، از آن جهت حائز اهمیت است که می‌تواند چگونگی انطباق‌یابی رفتارها و

1- Martin

عوامل تعیین کننده نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد ۱۴۱

ارزش‌های خانواده را در فرآیند تعامل نیروهای قدرتمند تداوم و تغییر خانواده منعکس نماید. داده‌های مورد استفاده در این مقاله، بخشی از داده‌های حاصل از طرح مطالعه نگرش‌های مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده است که در بهار ۱۳۹۴، جمع‌آوری شده است. پاسخگویان این طرح، شامل تمامی زنان ۱۵-۴۹ سال عضو خانوارهای معمولی ساکن در شهر یزد می‌باشند. چارچوب نمونه‌گیری مطالعه بر مبنای طرح نمونه‌گیری مرکز آمار ایران و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای طراحی و تعیین شده است که در آن واحد نمونه‌گیری مرحله اول خوشه و مرحله دوم با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک است (پس از تعیین تصادفی اولین خانوار، با فاصله معینی خانوارهای بعدی انتخاب گردیدند). حجم نمونه تحقیق با استناد به مطالعات و تحقیقات قبلی که در این حوزه انجام گرفته از جمله (عباسی شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۷؛ عسکری ندوشن، عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۸)، شامل ۴۸ خوشه ۱۵ خانواری (جمعاً شامل ۷۲۰ نفر) در مناطق مختلف شهر یزد است که پس از مراجعه به واحدهای نمونه، اطلاعات لازم جمع‌آوری گردید. از هر خوشه نمونه، با ۱۰ زن حداقل یکبار ازدواج کرده واقع در سنین ۱۵-۴۹ سال و ۵ زن هرگز ازدواج نکرده واقع در سنین ۱۵-۲۹ سال مصاحبه بعمل آمد.

به منظور سنجش الگوهای نگرشی مرتبط با ازدواج در این مقاله، از ۵ گویه نگرشی مرتبط با ازدواج به عنوان متغیرهای وابسته، استفاده شده است و تفاوت‌های نگرشی پاسخگویان در بین گروه‌های مختلف سنی، تحصیلی، شغلی و متغیرهای دیگر، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در ارائه نتایج و یافته‌های تحقیق، تمرکز بر ۵ بُعد از نگرش‌ها در رابطه با ازدواج است که هرکدام از ابعاد نگرشی مورد بررسی در تحقیق حاضر، با استفاده از یک گویه اندازه‌گیری شده است. در جدول ۱، گویه‌های نگرشی مورد استفاده همراه با توزیع درصدی گزینه‌های پاسخ نشان داده شده است. در این پژوهش، نوع پاسخ مدرن به ابعاد ازدواج، امتیاز بیشتری گرفته و کدهای پاسخ به گونه‌ای در نظر گرفته شده که پاسخ‌های همسو با نگرش مدرن به ازدواج و تشکیل خانواده نمره بالاتری را کسب کند. بنابراین در نگرش به مجرد، به گزینه کاملاً موافق کد ۴ و گزینه کاملاً مخالف کد ۰ اختصاص یافته و در چهار گویه دیگر، به گزینه کاملاً موافق کد ۰ و گزینه کاملاً مخالف کد ۴ اختصاص داده شده است.

جدول ۱. توزیع درصدی ابعاد نگرش به ازدواج - شهر یزد، ۱۳۹۴

گزینه‌ها					الف) توزیع فراوانی درصدی ابعاد نگرش به ازدواج*
کاملاً مخالف	مخالف	بینابین	موافق	کاملاً موافق	
۲۱/۲	۲۷/۷	۲۸/۵	۱۳/۳	۹/۴	روی هم رفته، مجرد بودن بهتر از تأهل است.
۱۱/۵	۱۸/۷	۳۳/۳	۲۵/۲	۱۱/۲	وقتی دختر مناسبی برای ازدواج در فامیل باشد، بهتر است پسرها با دختر فامیل ازدواج کنند.
۸/۳	۲۵/۶	۳۰/۸	۱۹/۹	۱۴/۹	برای دختران، ازدواج کردن اولویت بیشتری نسبت به ادامه تحصیل دارد.
۳/۲	۹/۵	۲۰/۲	۳۵/۷	۳۱/۳	جوانان را باید تشویق نمود تا زودتر ازدواج کنند.
۵/۸	۱۴/۸	۲۸/۱	۳۰/۰	۲۱/۲	دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج به خانواده آسیب می‌رساند.

* مقدار معتبر پاسخگویان در گویه‌های مختلف بین ۷۲۰ تا ۷۲۳ نفر می‌باشد.

اندازه‌گیری متغیرهای مستقل تحقیق، به این شرح صورت گرفت: متغیر تحصیلات والدین بر مبنای میانگین تحصیلات پدر و مادر محاسبه گردیده است یعنی سنوات (تعداد سال‌های) تحصیل پدر و مادر با هم جمع و حاصل آن بر ۲ تقسیم گردید و سپس میانگین بدست آمده بر اساس سال تحصیلی گروه بندی شد. متغیرهای تحصیلات، سن، و وضع فعالیت با استفاده از سوالات متعارفی که در تحقیقات پیمایشی مورد استفاده‌اند، اندازه‌گیری شد. سنجش شاخص‌های فردگرایی و خودتحقق‌بخشی با استفاده از گویه‌هایی که در قالب طیف لیکرت طراحی شد، صورت گرفت. این گویه‌ها با گزینه‌های پاسخ کاملاً مخالف، مخالف، بینابین، موافق، کاملاً موافق اندازه‌گیری شد و برحسب نوع گویه از ۰ تا ۴ امتیاز به آن‌ها اختصاص داده شد. نهایتاً، از جمع جبری نمرات گویه‌ها، شاخص‌های مورد نظر ساخته شد. جدول ۲، گویه‌های مورد استفاده برای سنجش این شاخص‌ها را نشان می‌دهد. مقدار آلفای کرونباخ برای مقیاس فردگرایی، ۰/۸۳۹، و برای مقیاس خودتحقق‌بخشی ۰/۷۰۱، به دست آمد.

متغیر سرمایه فرهنگی در این تحقیق، با استفاده از ۸ گویه با مقدار آلفای ۰/۷۴۵، در قالب طیف لیکرت سنجیده شد. گزینه‌های پاسخ برای این متغیر هیچ وقت، کمتر از ۱ ساعت در روز، بین ۱ تا ۲ ساعت در روز، بین ۲ تا ۳ ساعت در روز و بیش از ۳ ساعت در روز با کدهای پاسخ ۰ تا ۴ در نظر گرفته شد.

جدول ۲. متغیرهای مستقل برحسب گویه‌ها و پرسش‌های تحقیق - شهر یزد، ۱۳۹۴

نام متغیر / شاخص	گویه‌ها / سوالات
فردگرایی	۱. من ترجیح می‌دهم از لحاظ مالی به خود متکی باشم تا به دیگران. ۲. من خیلی به رسم و رسوم کاری ندارم، آنچه که دوست داشته باشم انجام می‌دهم. ۳. من دوست ندارم اطرافیانم در کارهایم دخالت کنند. ۴. امروزه هرکس باید به فکر خودش باشد نه دیگران. ۵. آنچه برای من اهمیت دارد رفاه و آسایش امروز است. ۶. در کارهایم به ارزیابی دیگران توجهی ندارم. ۷. در هنگامی که کاری را در دست می‌گیرم، از دیگران کمک نمی‌خواهم.
خودتحقق‌بخشی	۱. ازدواج کردن و داشتن فرزند باعث می‌شود آزادی فرد در زندگی کم شود. ۲. با ازدواج کردن و فرزندآوری راحتی و آسایش در زندگی کم می‌شود. ۳. امروزه تفریح و اوقات فراغت، اهمیت بیشتری نسبت به ازدواج و داشتن فرزند دارد. ۴. موفقیت فرد در زندگی اهمیت بیشتری نسبت به ازدواج و داشتن فرزند دارد. ۵. افراد نباید خودشان را به خاطر ازدواج و داشتن فرزند فدا کنند. ۶. ازدواج کردن و فرزندآوری باعث می‌شود فرد از موقعیت‌هایی تحصیلات و شغل مناسب باز بماند. ۷. ازدواج و داشتن فرزند، ملغ شکوفایی استعدادهای ذاتی می‌شود. ۸. ازدواج و داشتن فرزند به زندگی معنا می‌دهد. ۹. ازدواج، افراد را در رسیدن به اهدافشان محدود می‌کند. ۱۰. انسان با ازدواج کردن، استقلال خود را از دست می‌دهد.
سرمایه فرهنگی	۱. خواندن روزنامه‌ها، مجلات و نشریه‌های علمی و فرهنگی. ۲. گوش دادن به موسیقی. ۳. مطالعه‌ی کتاب و رمان و... ۴. استفاده از اینترنت. ۵. یادگیری زبان‌های خارجی. ۶. فعالیت‌های ورزشی. ۷. فعالیت‌های هنری (عکاسی، خطاطی، نقاشی و...). ۸. روزانه به طور متوسط چند ساعت مطالعه دارید؟

یافته‌ها

جدول ۳، خلاصه توصیفی از ویژگی‌های جمعیتی نمونه مورد مطالعه را نمایش می‌دهد. اطلاعات جدول نشان می‌دهد ۳۸/۵ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۲۴-۱۵، ۳۱/۳ درصد در گروه سنی ۳۴-۲۵ و ۳۰/۲ درصد ۳۵ سال به بالا داشته‌اند و میانگین سن پاسخگویان ۲۹/۶۱ سال می‌باشد. بیش از نیمی از پاسخگویان را زنان حداقل یکبار ازدواج کرده تشکیل می‌دهند و عمدتاً دارای خاستگاه شهری‌اند. از نظر میانگین تحصیلات والدین پاسخگویان، تحصیلات اکثریت آن‌ها در سطح ابتدایی بوده و سطح تحصیلات اکثریت پاسخگویان مورد مطالعه، دانشگاهی بوده است.

اطلاعات ارائه شده در جدول ۴، نتایج آزمون‌های آماری ناپارامتری بین ابعاد نگرش به ازدواج و متغیرهای مستقل تحقیق را نمایش می‌دهد. در این جدول، با توجه به ماهیت رتبه‌ای متغیرها از آزمون‌های ناپارامتری من‌ویتنی، کروسکال‌والیس و ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده نمودیم. با اینحال، برای تفسیر راحت‌تر نتایج، میانگین ساده هر گویه را در جدول گزارش نمودیم. همانگونه که قبلاً اشاره شد، حداقل و حداکثر امتیازات هر یک از گویه‌ها که

میانگین آنها در جدول ۴ انعکاس یافته، در دامنه‌ای بین ۰ تا ۴ قرار دارد.

جدول ۳. خلاصه توصیفی از ویژگی‌های جمعیتی نمونه مورد مطالعه - شهر یزد - ۱۳۹۴

ویژگی جمعیتی	تعداد	درصد	ویژگی جمعیتی	تعداد	درصد
یکبار ازدواج کرده	۴۸۳	۶۶/۸	شهر	۶۹۰	۹۵/۴
هرگز ازدواج نکرده	۲۴۰	۳۳/۲	محل تولد		
خانه دار	۴۳۹	۶۰/۷	روستا	۳۲	۴/۴
شاغل	۱۱۳	۱۵/۶	گروه سنی		
دانشجو و محصل	۱۶۷	۲۳/۱	۱۵-۲۴	۲۷۸	۳۸/۵
راهنمایی و کمتر	۹۶	۱۳/۳	۲۵-۳۴	۲۲۶	۳۱/۳
دبیرستان	۲۵۷	۳۵/۵	۳۵ سال به بالا	۲۱۸	۳۰/۲
دانشگاهی	۳۶۹	۵۱/۰	میانگین	۳۳۲	۴۵/۹
			تحصیلات		
			۷-۱۲ سال	۲۷۴	۳۷/۹
			والدین		
			۱۳ سال و بیشتر	۸۳	۱۱/۵
کل نمونه			۷۲۳		

نگرش به تجرد، اولین بُعد از ابعاد نگرش به ازدواج است که در جدول ۴ تفاوت‌های آن برحسب متغیرهای مستقل مورد آزمون قرار گرفته است. با توجه به داده‌های جدول، تفاوت قابل ملاحظه‌ای در میانگین نگرش به تجرد در بین زنان حداقل یکبار ازدواج کرده و زنان هرگز ازدواج نکرده وجود دارد؛ به گونه‌ای که زنان هرگز ازدواج نکرده با میانگین ۲/۰۱، موافقت بیشتری با تجرد در مقایسه با زنان همسر دار (با میانگین ۱/۴۳) نشان داده‌اند. این نتیجه همسو با نتیجه تحقیق عسکری ندوشن، عباسی شوازی و صادقی (۱۳۸۸) مبنی بر دیدگاه سنتی تر مادران نسبت به تجرد در مقایسه با نسل دختران و همچنین تحقیق گابرن اسکایا (۲۰۱۰) در خصوص نگرش مدرن زنان ازدواج نکرده به ازدواج است. نتایج جدول همچنین بیانگر آن است که میانگین نگرش به تجرد برحسب وضعیت فعالیت (خانه‌دار، دانشجو و محصل و شاغل) تفاوت دارد. به طوری که، زنان شاغل با میانگین ۱/۸۵ موافقت بیشتری با تجرد در مقایسه با زنان دانشجو - محصل و خانه‌دار دارند. این یافته، تأییدی بر نتایج پژوهش‌های محمودیان (۱۳۸۳)، سیتومارانگ (۲۰۰۵) و میدا (۲۰۰۶) است. یافته‌ها همچنین بیانگر آن است که با افزایش سن، موافقت با مجرد ماندن کاهش می‌یابد. پاسخگویانی که دارای والدین

با تحصیلات پایین هستند، مخالفت بیشتری با مجرد دارند. علاوه بر این، تحصیلات پاسخگو نیز در نگرش به مجرد نقش دارد، به گونه‌ای که با افزایش سطح تحصیلات، نگرش‌های پاسخگویان نیز به موافقت بیشتر با مجرد تغییر می‌یابد و پاسخگویان دارای تحصیلات دانشگاهی با میانگین ۱/۶۶، موافقت بیشتری با مجرد دارند. یافته‌های جدول همچنین بیانگر آن است که هرچه فردگرایی، خودتحقق‌بخشی و سرمایه فرهنگی در بین زنان افزایش یابد، نگرش آنها به مجرد، مثبت‌تر و موافق‌تر می‌گردد. تحقیقات دیگر، نظیر فرایزر و دیگران (۱۹۹۶)، هامیلتون و دیگران (۲۰۰۰)، محمدپور و دیگران (۱۳۸۸) و مالتهورا و دیگران (۱۹۹۲) از بخشی از یافته‌های پژوهش حاضر در این زمینه پشتیبانی می‌کنند.

نتایج آزمون‌های آماری بین مقوله نگرش به ازدواج غیرخویشاوندی به عنوان یکی دیگر از ابعاد نگرش به ازدواج نشان می‌دهد وضعیت تأهل، وضعیت فعالیت، تحصیلات پاسخگو، تحصیلات والدین، سن، فردگرایی، خودتحقق‌بخشی و سرمایه فرهنگی در رابطه با این مقوله معنادار شدند. بر اساس اطلاعات جدول ۴، با افزایش سن پاسخگویان، موافقت با ازدواج خویشاوندی بیشتر شده است. نتیجه حاصل با نتیجه تحقیق عباسی شوازی و خانی (۱۳۸۸) همسو است. علاوه بر این، نتایج جدول بیانگر آن است که تفاوت معناداری نگرش به ازدواج غیرخویشاوندی برحسب وضعیت فعالیت وجود دارد، به طوری که کمترین مخالفت در بین زنان خانه‌دار، سپس زنان دانشجوی و محصل و در نهایت زنان شاغل وجود دارد (به ترتیب با میانگین‌های ۱/۸۵، ۱/۹۶ و ۲/۱۶). تحصیلات والدین نیز به صورت بین‌نسلی با نگرش به ازدواج خویشاوندی رابطه دارد، به گونه‌ای که هرچه تحصیلات والدین پاسخگو افزایش می‌یابد، مخالفت بیشتری با ازدواج خویشاوندی را ابراز می‌دارند. این نتیجه با تحقیق عباسی شوازی و ترابی (۱۳۸۵) همسو است که نشان دادند تحصیلات والدین در رفتارها و نگرش‌ها نسبت به ازدواج خویشاوندی تأثیر دارد. با افزایش فردگرایی، خودتحقق‌بخشی و سرمایه فرهنگی ترجیح پاسخگویان به ازدواج خویشاوندی کاهش می‌یابد.

جدول ۴. نتایج آزمون‌های آماری بین ابعاد نگرش به ازدواج و متغیرهای مستقل

					ابعاد نگرش به ازدواج ^۱	متغیرهای مستقل
نگرش به دوستی دختر و پسر قبل ازدواج	نگرش به تأخیر در ازدواج جوانان	نگرش به اولویت تحصیلات بر ازدواج	نگرش به ازدواج غیرخویشاوندی	نمره نگرش		
۱/۴۹	۱/۰۳	۱/۷۴	۱/۸۷	۱/۴۳	یکبار ازدواج کرده	وضع تأهل
۱/۶۴	۱/۴۷	۲/۲۸	۲/۰۹	۲/۰۱	هرگز ازدواج نکرده	
۵۲۷۴۶/۰	۴۲۹۲۱/۵۰	۴۲۳۹۶/۵۰	۵۰۹۱۴/۵۰	۴۰۹۲۳/۰	آماره Mann-Whitney	
۱/۴۲	۱/۰۴	۱/۷۹	۱/۸۵	۱/۵۱	خانه دار	وضع فعالیت
۱/۸۶	۱/۴۴	۱/۸۹	۱/۹۶	۱/۶۶	دانشجو و محصل	
۱/۶۱	۱/۳۱	۲/۲۸	۲/۱۶	۱/۸۵	شاغل	
۱۵/۳۵	۱۷/۷۰	۲۳/۳۲	۹/۰۹	۱۱/۸۲	آماره Kruskal-Wallis	
۱/۵۸	۰/۹۳	۱/۴۶	۱/۸۰	۱/۳۵	راهنمایی و کمتر	تحصیلات
۱/۳۸	۱/۰۷	۱/۸۶	۱/۸۱	۱/۶۵	دبیرستان	
۱/۶۳	۱/۳۱	۲/۰۹	۲/۰۷	۱/۶۶	دانشگاهی	
۹/۴۹	۱۶/۵۸	۲۲/۲۲	۹/۶۸	۶/۳۵	آماره Kruskal-Wallis	
۱/۴۷	۱/۰۵	۱/۷۳	۱/۸۲	۱/۵۰	۶- سال	میانگین تحصیلات والدین
۱/۶۱	۱/۲۵	۲/۱۰	۲/۰۰	۱/۷۶	۷-۱۲ سال	
۱/۶۰	۱/۴۷	۲/۱۳	۲/۳۱	۱/۶۵	۱۳ سال و بیشتر	
۳/۵۸	۱۲/۹۷	۱۸/۱۰	۱۳/۵۲	۹/۱۹	آماره Kruskal-Wallis	
-۰/۰۴۲	-۰/۱۸۰	-۰/۲۲۴	-۰/۱۱۹	-۰/۲۷۲	آماره Spearman's سن	
+۰/۱۷۲	+۰/۱۴۸	+۰/۱۲۰	+۰/۰۷۴	+۰/۲۶۹	آماره Spearman's فردگرایی	
+۰/۱۴۹	+۰/۲۸۹	+۰/۱۵۳	+۰/۰۱۶	+۰/۳۸۰	آماره Spearman's خود تحقق بخشی	
+۰/۱۹۶	+۰/۲۲۵	+۰/۲۳۴	+۰/۱۲۴	+۰/۱۵۸	آماره Spearman's سرمایه فرهنگی	

معناداری در سطح ۰/۰۰۱

معناداری در سطح ۰/۰۱

معناداری در سطح ۰/۰۵

۱- در نگرش به مجرد، به گزینه کاملاً موافق کد ۴ و گزینه کاملاً مخالف کد ۰ اختصاص یافته و در چهار گویه دیگر، به گزینه کاملاً موافق کد ۰ و گزینه کاملاً مخالف کد ۴ اختصاص داده شده است. گویه‌های مورد استفاده برای سنجش این ابعاد نگرشی عبارتند از: روی هم رفته، مجرد بودن بهتر از تأهل است، وقتی دختر مناسبی برای ازدواج در فامیل باشد، بهتر است پسرها با دختر فامیل ازدواج کنند، برای دختران، ازدواج کردن اولویت بیشتری نسبت به ادامه تحصیل دارد، جوانان را باید تشویق نمود تا زودتر ازدواج کنند، دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج به خانواده آسیب می‌رساند.

نتایج آزمون‌های آماری جدول ۴ همچنین تفاوت‌های نگرشی نسبت به مقوله اولویت داشتن تحصیلات دختران بر ازدواج آنها را برحسب متغیرهای مستقل تحقیق نشان می‌دهد. براساس نتایج، وضعیت تأهل، وضعیت فعالیت، تحصیلات والدین، سن، فردگرایی، خودتحقق‌بخشی و سرمایه فرهنگی تفاوت معناداری را در این نگرش نشان می‌دهد. براساس نتایج، با افزایش سن پاسخگویان، تأکید بیشتری بر اولویت ازدواج دختران در مقایسه با ادامه تحصیلات آنها صورت می‌گیرد و در مقابل نسل جوان، تحصیلات را برای دختران مهم‌تر از ازدواج می‌دانند. همچنین، نتایج جدول بیانگر آن است که تفاوت معناداری در نگرش به اولویت تحصیلات دختران، در بین زنان یکبار ازدواج کرده و زنان هرگز ازدواج نکرده وجود دارد (میانگین ۱/۷۴ برای زنان یکبار ازدواج کرده و ۲/۲۸ برای زنان هرگز ازدواج نکرده). علاوه بر این، برحسب وضعیت فعالیت نیز تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. به طوری که، تأکید زنان خانه‌دار (با میانگین ۱/۷۹) بر اولویت ازدواج دختران بیشتر است و برعکس، در نزد زنان شاغل، ادامه تحصیل (با میانگین ۲/۲۸) از اولویت بیشتری برخوردار است. متغیرهای تحصیلات پاسخگو و نیز تحصیلات والدین پاسخگو تفاوت معناداری را در نگرش به اولویت تحصیلات دختران بر ازدواج آنها نشان می‌دهد، به گونه‌ای که به موازات افزایش سطح تحصیلات پاسخگو و تحصیلات والدین، میزان اولویت‌گذاری تحصیلات بر ازدواج نزد زنان بیشتر می‌شود به گونه‌ای که میانگین مقیاس نگرش به اولویت تحصیلات بر ازدواج به ترتیب از ۱/۴۶ به ۲/۰۹ و از ۱/۷۳ به ۲/۱۳ افزایش می‌یابد. متغیرهای سرمایه فرهنگی، خودتحقق‌بخشی و فردگرایی نیز رابطه مستقیم و معناداری را با ترجیح اولویت تحصیلات نسبت به ازدواج برای دختران نشان می‌دهند (به ترتیب با ضرایب همبستگی ۰/۲۳۴+؛ ۰/۱۵۳+؛ ۰/۱۲۰+). به بیان دیگر، افزایش سطح سرمایه فرهنگی، خودتحقق‌بخشی و فردگرایی موجب ترجیح بیشتر پاسخگویان به اولویت تحصیلات نسبت به ازدواج برای دختران می‌گردد. مقوله تأخیر در ازدواج جوانان یکی دیگر از ابعاد نگرش به ازدواج است که در این پژوهش با این سنجه که: "جوانان را باید تشویق نمود تا زودتر ازدواج کنند"، مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج جدول ۴، پاسخگویان مسن‌تر به ازدواج جوانان در سنین پایین‌تر اعتقاد بیشتری دارند و با کاهش سن پاسخگویان، میزان موافقت آنها با تأخیر در ازدواج جوانان به طور معکوسی افزایش می‌یابد. این نتیجه با تحقیق گلاس (۱۹۹۲) همسو است.

نتایج همچنین مبین آن است که باتوجه به متغیرهای تحت مطالعه در جدول ۴، می‌توان دریافت که در مقایسه با سایر مقولات هر یک از متغیرهای مستقل، زنان ازدواج کرده، خانه‌دار و دارای سطح تحصیلات پایین‌تر، با تشویق جوانان به ازدواج زودتر موافقت بیشتری دارند. همچنین تحصیلات والدین به صورت بین‌نسلی به تفاوت‌های نگرشی پاسخگویان منجر شده و پاسخگویانی که والدین آنها از میانگین سنوات آموزشی بالاتری برخوردارند، تاخیر در سن ازدواج جوانان را بیش‌تر پذیرا هستند. علاوه بر این، متناسب با افزایش شاخص‌های فردگرایی، خودتحقق‌بخشی و سرمایه فرهنگی در نزد پاسخگویان، نگرش به تأخیر در ازدواج نیز با پذیرش و مقبولیت بیشتری در بین پاسخگویان مواجه می‌شود. رابطه تعدادی از متغیرهای مورد اشاره در اینجا با نگرش‌ها و رفتارهای خانواده، در تحقیقات پیشین (دراهکی و محمودیان ۱۳۹۱؛ حبیب‌پور گتاجی و غفاری ۱۳۹۰؛ حسینی و گراوند ۱۳۹۲؛ محمدپور و دیگران ۱۳۸۸) نیز نشان داده شده بود.

نگرش به رابطه دختر و پسر قبل از ازدواج به عنوان آخرین بُعد از نگرش به ازدواج مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد تفاوت معناداری بین وضعیت تأهل و نگرش به رابطه دختر و پسر قبل از ازدواج وجود دارد و پاسخگویان مجرد نگرش مثبت‌تری به دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج دارند. هرچند دامنه این تفاوت چندان گسترده نیست (با میانگین $1/64$ در مقابل $1/49$). این نتیجه همسو با نتیجه تحقیق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲) و نتیجه تحقیق مارتین (۲۰۰۳) است. یافته‌های جدول همچنان بیانگر آن است که تفاوت‌های نگرشی معناداری نسبت به معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج بر حسب وضعیت فعالیت پاسخگویان قابل مشاهده است. به‌طوری‌که به ترتیب زنان خانه‌دار، زنان شاغل و زنان دانشجو و محصل از کمترین (با میانگین $1/42$) تا بیشترین (با میانگین $1/86$)، نظر موافق را در خصوص رابطه دختر و پسر قبل از ازدواج اظهار کرده‌اند. همچنین، نتایج جدول بیانگر این است که تفاوت‌های تحصیلی رابطه U-شکلی را با نگرش به دوستی و معاشرت قبل از ازدواج نشان می‌دهد. به‌طوری‌که زنان دارای تحصیلات متوسطه در مقایسه با پاسخگویان دارای تحصیلات راهنمایی و کمتر و همچنین پاسخگویان دارای تحصیلات دانشگاهی، حمایت کمتری از معاشرت قبل از ازدواج دارند. از طرفی، متغیرهای سن و تحصیلات والدین پاسخگو، ارتباط معناداری را در این زمینه منعکس نمی‌کنند. حال آن‌که، متغیرهای فردگرایی، خودتحقق‌بخشی

عوامل تعیین کننده نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد ۱۴۹

و سرمایه فرهنگی رابطه مستقیم و معناداری با نگرش به معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج دارند (به ترتیب با ضرایب همبستگی $+0/172$ ، $+0/149$ و $+0/196$). این یافته‌ها همسو با دیدگاه نظریه گذار دوم جمعیتی و همسو با برخی از نتایج تحقیقات تجربی (کرامت و دیگران ۱۳۹۲؛ خواجه‌نوری و دل‌آرام ۱۳۹۱) در این زمینه است. در واقع استفاده از رسانه‌های جمعی و افزایش سرمایه فرهنگی باعث ظهور سبک جدید زندگی شده و موافقت با معاشرت قبل از ازدواج افزایش می‌یابد. مطابق با تئوری گذار دوم جمعیتی نیز با افزایش فردگرایی و استقلال طلبی، نگرش‌ها در جهت موافقت با روابط قبل از ازدواج تغییر می‌یابد.

نتایج تحلیل چندمتغیره

برای تحلیل چندمتغیره این پژوهش از رگرسیون لجستیک ترتیبی^۱ استفاده شده است. رگرسیون لجستیک، تکنیکی آماری است برای نشان دادن تأثیر متغیرهای مستقل کمی یا کیفی بر متغیر وابسته کیفی و دو وجهی و چندوجهی (نایی، ۱۳۹۲: ۲۶۵). در این روش، هدف اصلی محقق طبقه‌بندی پاسخگویان بر اساس یک مجموعه متغیر پیش‌بین (مستقل) می‌باشد (حبیب‌پورگتایی و صفری‌شالی، ۱۳۹۴: ۷۳۸). رگرسیون لجستیک ترتیبی، زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که متغیر وابسته تحقیق در مقیاس اندازه‌گیری رتبه‌ای مورد سنجش قرار گرفته باشد.

در این پژوهش متغیر وابسته برای تحلیل رگرسیون لجستیک، ابعاد متغیر نگرش به ازدواج شامل ۵ بُعد نگرش به تجرد، نگرش به ازدواج غیرخویشاوندی، نگرش به اولویت تحصیلات بر ازدواج، نگرش به تأخیر در ازدواج و نگرش به دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج است. این ابعاد با ۵ گزینه کاملاً موافق، موافق، بینابین، مخالف و کاملاً مخالف ارزش‌گذاری شده است. در تحلیل رگرسیون لجستیک هر بُعد از نگرش، تمام متغیرهای جمعیتی و نگرشی که در تحلیل‌های دو متغیره آن‌ها معنادار شناخته شدند وارد مدل رگرسیون شده است. در جدول ۵، برای تمامی متغیرهای مستقل وارد شده به معادله رگرسیونی دو پارامتر نسبت بخت و آماره والد، به همراه سطح معناداری متغیرها به تفکیک ارائه شده است. همچنین برای هر یک از مدل‌های رگرسیونی برآورد شده، مقادیر $-2LL$ (Log Likelihood -2)؛ کا-

1- Ordinal logistic regression (OLR)

اسکووار مدل و ضریب تعیین (یا R^2) گزارش شده است که این شاخص‌ها، همگی بیانگر درجه برازش مدل رگرسیون لوجستیک هستند. همچنین این نکته لازم به تأکید است که برای هر یک از ابعاد نگرش به ازدواج که به عنوان متغیر وابسته در جدول ۵ مورد تحلیل قرار گرفته است، تنها متغیرهای مستقلی که پس از کنترل چندمتغیری، ارتباط آماری معناداری را نشان داده‌اند، گزارش شده است.

در بُعد اول نگرش به ازدواج یعنی نگرش به مجرد، تأثیر متغیرهای فردگرایی و خودتحقق بخشی در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ معنادار است. همچنین ضریب و جهت تأثیر هر دو متغیر بر نگرش به مجرد مثبت است، یعنی همراه با افزایش مقادیر این دو متغیر، احتمال موافقت با مجرد در پاسخگویان افزایش می‌یابد. نسبت بخت‌های متغیر فردگرایی در تغییرات نگرش به مجرد برابر با ۱/۰۴۳ و متغیر خودتحقق بخشی برابر با ۱/۰۵۸ است. در بُعد دوم نگرش به ازدواج یعنی ازدواج غیرخویشاوندی، تنها تأثیر متغیر فردگرایی در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ معنادار گردیده و نسبت بخت‌های این متغیر ۱/۰۲۱ است؛ به عبارتی، با توجه به شیوه کدگذاری مورد استفاده برای نگرش به ازدواج خویشاوندی، که در آن پاسخ‌های همسو با نگرش مدرن به ازدواج خویشاوندی نمره بالاتری را دریافت کرده است، با افزایش فردگرایی مخالفت با ازدواج غیرخویشاوندی نیز بیشتر می‌گردد. در بُعد سوم نگرش به ازدواج یعنی اولویت تحصیلات بر ازدواج برای دختران، تأثیر متغیرهای خودتحقق بخشی و سرمایه فرهنگی در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنادار گردید. نسبت بخت‌های متغیرهای خودتحقق بخشی و سرمایه فرهنگی در تغییرات این بُعد از نگرش بالاتر ۱ و به ترتیب برابر با ۱/۰۱۸ و ۱/۰۲۰ است، یعنی با افزایش خودتحقق بخشی و سرمایه فرهنگی در پاسخگویان، نگرش آن‌ها به ارجحیت تحصیلات برای دختران بر ازدواج موافق‌تر می‌گردد.

جدول ۵. رگرسیون لجستیک ترتیبی برای ابعاد نگرش به ازدواج

Exp(B) (Wald)	متغیرهای مستقل	ابعاد نگرش به ازدواج
۱/۰۴۳ (۱۶/۱۱) ***	فردگرایی	نگرش به مجرد
۱/۰۵۸ (۶۴/۳۹) ***	خودتحقق بخشی	
-2 LL: ۱۹۱۶/۲۵ X²: ۱۳۹/۴۳ *** R²: ۰/۱۹۷		
۱/۰۲۱ (۴/۴۵)	فردگرایی	نگرش به ازدواج غیر خویشاوندی
-2 LL: ۲۰۳۱/۹۷ X²: ۱۳/۵۰ *** R²: ۰/۰۲۱		
۱/۰۱۸ (۷/۴۱) **	خودتحقق بخشی	نگرش به اولویت تحصیلات بر ازدواج
۱/۰۲۰ (۴/۴۲) *	سرمایه فرهنگی	
-2 LL: ۲۰۰۰/۱۵ X²: ۴۵/۲۵ *** R²: ۰/۰۶۹		
۰/۶۴۸ (۸/۱۲) **	محصل و دانشجو	نگرش به تأخیر در ازدواج جوانان
۰/۶۸۳ (۹/۹۹) **	خانه دار	
۱/۰۳۹ (۳۵/۰۵) ***	خودتحقق بخشی	
۱/۰۲۵ (۷/۶۰) **	سرمایه فرهنگی	
-2 LL: ۱۸۵۳/۶۸ X²: ۸۹/۷۰ *** R²: ۰/۱۲۸		
۰/۶۶۵ (۷/۷۱) **	محصل و دانشجو	
۰/۶۷۲ (۱۰/۹۲) **	خانه دار	نگرش به دوستی دختر و پسر قبل ازدواج
۰/۶۹۲ (۶/۶۳) *	دانشگاهی	
۰/۶۶۱ (۹/۲۳) **	دبیرستان	
۱/۰۲۴ (۶/۰۷۷) *	فردگرایی	
۱/۰۱۴ (۴/۶۱) *	خودتحقق بخشی	
۱/۰۳۱ (۱۱/۶۳) **	سرمایه فرهنگی	
-2 LL: ۲۰۳۵/۰۹ X²: ۴۸/۶۳ *** R²: ۰/۰۷۱		
*** معناداری در سطح ۰/۰۰۱	** معناداری در سطح ۰/۰۱	* معناداری در سطح ۰/۰۵

تأثیر متغیرهای وضعیت اشتغال، خودتحقق بخشی و سرمایه فرهنگی در بُعد چهارم نگرش به ازدواج، یعنی تأخیر در ازدواج جوانان در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ معنادار است. نسبت بخت‌های متغیر وضعیت اشتغال برای طبقه اول محصل و دانشجو و طبقه دوم خانه‌دار، به ترتیب ۰/۶۶۵ و ۰/۶۷۲ می‌باشد که کمتر از ۱ بوده و نشان می‌دهد احتمال موافقت این دو

طبقه با ازدواج دیرهنگام جوانان، نسبت به گروه مرجع یعنی زنان شاغل به اندازه حدود ۳۵ و ۳۳ درصد کمتر است. نسبت بخت‌های متغیر خودتحقق‌بخشی در تغییرات این بُعد برابر با ۱/۰۳۹ و متغیر فردگرایی برابر با ۱/۰۲۵ و همچنین ضریب و جهت تأثیر هر دو متغیر، مثبت است؛ یعنی با افزایش مقادیر این دو متغیر، موافقت با ازدواج دیرتر جوانان بیشتر می‌گردد.

نتایج رگرسیونی آخرین بُعد از نگرش به ازدواج، یعنی روابط دختر و پسر قبل از ازدواج نشان داد، تأثیر متغیرهای وضعیت اشتغال، تحصیلات پاسخگو، فردگرایی، خودتحقق‌بخشی و سرمایه فرهنگی در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنادار گردید. نسبت بخت‌های متغیر وضعیت اشتغال برای طبقه اول محصل و دانشجو و طبقه دوم خانه‌دار، به ترتیب ۰/۶۴۸ و ۰/۶۸۳ می‌باشد که کمتر از ۱ بوده و احتمال موافقت این دو طبقه با آسیب‌پذیر بودن روابط پیش از ازدواج برای خانواده بیشتر و نگرش مخالف به دوستی پیش از ازدواج در این دو گروه قوی‌تر از طبقه مرجع می‌باشد. نسبت بخت‌های متغیر تحصیلات پاسخگو برای طبقه اول دانشگاهی برابر با ۰/۶۹۲ و طبقه دوم دبیرستان برابر با ۰/۶۶۱ می‌باشد که کمتر از ۱ است؛ بدین معنی که زنان طبقه مرجع (تحصیلات راهنمایی و کمتر) با آسیب‌زا بودن روابط دختر و پسر قبل از ازدواج موافقت دارند و درحالی‌که زنان با تحصیلات دانشگاهی و دبیرستان، نگرش مخالف‌تری را نسبت به آسیب‌زا بودن روابط پیش از ازدواج بر خانواده ابراز نموده‌اند، لذا احتمال موافقت این دو طبقه با آسیب‌پذیر بودن روابط پیش از ازدواج برای خانواده کمتر از طبقه مرجع می‌باشد. نسبت بخت‌های متغیرهای فردگرایی، خودتحقق‌بخشی و سرمایه فرهنگی به ترتیب برابر با ۱/۰۲۴، ۱/۰۱۴ و ۱/۰۳۱ می‌باشد. به عبارتی، با افزایش مقادیر این متغیرها، موافقت با روابط پیش از ازدواج بیشتر و نگرش به آسیب‌پذیری خانواده از این روابط منفی می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

تغییر ساختار و شرایط زندگی اجتماعی با گذشت زمان موجب گردیده تا به فراخور این تغییر و تحول، نحوه وقوع مباحث اجتماعی تغییر یابند. یکی از این مباحث مهم اجتماعی، ظهور تغییر و تحولات اساسی در نگرش‌های مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده است. پژوهش حاضر به بررسی عوامل تعیین‌کننده نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در بین زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر یزد پرداخته است. حجم نمونه برآورد شده در این طرح، شامل ۴۸ خوشه ۱۵

خانواری (جمعاً شامل ۷۲۳ نفر) در مناطق مختلف شهر یزد است که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی سیستماتیک، انتخاب گردیدند.

نتایج تحلیل دو متغیره حاکی از رابطه معنادار و معکوس متغیر سن با ابعاد مختلف نگرش به ازدواج است، به گونه‌ای که با افزایش سن، نگرش به ابعاد ازدواج و تشکیل خانواده سنتی‌تر می‌گردد. علاوه بر این، رابطه معناداری در نگرش به مجرد، نگرش به ازدواج غیرخویشاندی، نگرش به اولویت تحصیلات و نگرش به تأخیر ازدواج بر حسب وضعیت تأهل، وضعیت فعالیت و سطوح تحصیلی والدین وجود دارد. همچنین با افزایش سطح تحصیلات پاسخگو، نگرش به تأخیر در ازدواج و نگرش به دوستی دختر و پسر مثبت‌تر می‌گردد. نتایج تحقیق تأثیر معنادار و مثبت فردگرایی را با تمام ابعاد نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده نشان داد، به گونه‌ای که با افزایش فردگرایی زنان، موافقت آن‌ها با مجرد، ازدواج غیرخویشاوندی، اولویت تحصیلات دختران، تأخیر ازدواج جوانان و دوستی قبل از ازدواج بیشتر می‌گردد. افزایش خودتحقق‌بخشی نیز، نگرش زنان را به مجرد و تأخیر در ازدواج، اولویت تحصیل بر ازدواج دختران و دوستی و معاشرت قبل از ازدواج موافق‌تر می‌نماید. همچنین وجود رابطه مثبت و معنادار سرمایه فرهنگی با تمامی ابعاد نگرش به ازدواج نشان می‌دهد سرمایه فرهنگی بر نگرش مدرن به ازدواج تأثیر دارد. نتایج تحلیل چندمتغیره نیز بر نقش مؤثر متغیرهای ارزشی - فرهنگی در تغییر ابعاد مختلف نگرش نسبت به ازدواج حکایت دارد.

در تبیین نگرش به مجرد و عوامل مرتبط و مؤثر با آن، می‌توان گفت که از میان عوامل گوناگونی که در پدید آمدن مجرد در میان زنان مؤثر است، نقش‌های اجتماعی جدیدی که برای زنان تعریف شده سهم بزرگی را به خود اختصاص داده‌اند؛ نقش‌هایی که نسبت به گذشته گسترده‌تر و جذاب‌ترند و زنان و دختران به تدریج و با توجه به نیاز جامعه، نقش‌ها و مشاغلی را به دست گرفته و بعضاً در پست‌های تخصصی و علمی وارد شدند. دیدگاه‌های نظری موجود بر این تأکید دارند که در جریان مدرنیزاسیون و تحولات فرهنگی و ارزشی، خانواده محوری به فردمحوری تبدیل می‌شود. این فرایند با ترجیح خانواده هسته‌ای، بهبود موقعیت زنان، گسترش تحصیلات عمومی با تغییر نگرش‌ها و ایده‌های افراد جامعه همراه است؛ لذا، با توجه به اهمیت پایدار نهاد ازدواج در زندگی فردی و اجتماعی و استمرار پابندی به آن، نتیجه تحقیق حاضر نشان می‌دهد که تغییرات نگرشی نسبت به مجرد و طولانی

شدن دوره مجرد در سالیان اخیر در جامعه ایران روی داده است. با این وجود، گرایش‌های فرهنگی رایج در جامعه ایران و به طور کلی شهر یزد، در جهت حمایت از ازدواج است. در تبیین نگرش به ازدواج غیرخویشاوندی و عوامل مرتبط و مؤثر با آن، بر اساس رویکرد مدرنیزاسیون نقش و کارکرد شبکه خویشاوندی در روابط خانوادگی تغییر یافته و ازدواج خویشاوندی نیز فراوانی کمتری را در جوامع امروزی دارد. گیدنز در نظریه نوگرایی خود به تغییرات خانواده پرداخته و کاهش ازدواج خویشاوندی را در نتیجه تغییرات جوامع از سنتی به مدرن می‌داند. همچنین نظریه دگرگونی فرهنگی ارزشی اینگلهارت (2000: 221)، بر کاهش ازدواج‌های خویشاوندی در پی تغییرات فرهنگی جوامع تأکید دارد.

با ظهور پیامدهای مدرنیته، عامل اصلی بالا رفتن سن ازدواج دختران، سرمایه انسانی و به معنی واقعی کلمه، تحصیلات است. صنعتی شدن و شهرنشینی فرصت‌های اقتصادی جدیدی فراهم خواهند کرد که این فرصت‌ها به نوبه خود جایگزین جذابی برای ازدواج خواهند بود. هرچه دختران به دانشگاه می‌روند و تحصیلات کسب می‌کنند، توقعاتشان برای رسیدن به شغلی مناسب نیز بالاتر می‌رود و به‌طور ضمنی سال‌هایی که می‌توانند ازدواج کنند و باروری داشته باشند به دلیل تحصیل و اشتغال می‌گذرد. در نتیجه پس از تحصیل و اشتغال سومین گزینه برای آن‌ها بحث ازدواج است. بنابراین، در تبیین بعد نگرش به اولویت تحصیلات بر ازدواج برای دختران، می‌توان نتیجه گرفت که با اولویت یافتن تحصیل و کار، از وابستگی زنان نسبت به زندگی خانوادگی کاسته شده و دل‌مشغولی‌های دیگری جایگزین آن می‌شود و همین مسئله انگیزه زنان را برای زندگی خانوادگی کم‌رنگ‌تر می‌کند. در مجموع، این‌ها انگیزه‌هایی را برای دختران، برای به‌دست آوردن موقعیت‌های بالاتر، ایجاد کرده است که مسیر زندگی و انتخاب‌های آن‌ها را از ازدواج دور و یا از اولویت خارج کرده است.

بر اساس تئوری نوسازی بازاندیشانه در تبیین بُعد نگرش به تأخیر در ازدواج، اگرچه فرایند نوسازی، آزادی و استقلال بیشتری را برای افراد به ارمغان آورده، لیکن آن‌ها را با عدم اطمینان بیشتری نسبت به آینده مواجه ساخته است. بارتز و نای (۱۹۷۰) با کاربرد نظریه مبادله در مورد ازدواج، دو دسته از تعیین‌کننده‌های ازدواج را مشخص کرده‌اند: دسته اول، آن‌هایی هستند که باعث می‌شوند ازدواج برای فرد رضایت بیشتری را نسبت به مجرد ماندن تأمین کند و دسته دوم، آن‌هایی هستند که باعث می‌شوند ازدواج در میان بسیاری از جایگزین‌های

عوامل تعیین‌کننده نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد ۱۵۵

نامطلوب، برای فرد کمتر نامطلوب باشد. علاوه بر این بر اساس نظریه تحوّل و دگرگونی فرهنگی و ارزشی، ظهور صنعتی شدن، شهری شدن و پویایی‌های اقتصادی، کاهش خانواده - گرایی و افزایش فردگرایی را در پی داشته است.

در تبیین بُعد نگرش به دوستی دختر و پسر قبل ازدواج با استفاده از تئوری مدرنیزاسیون می‌توان گفت که در جریان نوسازی و صنعتی شدن و با نفوذ اندیشه‌های غربی، تعهدات نسبت به گروه‌های خانوادگی و برقراری پیوند ازدواج اهمیت خود را از دست داده و نگرش - های موافق‌تری به ارتباطات دختر و پسر قبل از ازدواج و توافق اولیه بین زن و شوهر شکل گرفته است. از سوی دیگر نوسازی باعث افزایش سطح تحصیلات افراد و ورود زنان به بازار کار شده، در نتیجه نگرش‌های مدرن به ابعاد مختلف ازدواج در اثر این تغییرات شکل گرفته است.

نتایج تحلیل‌های انجام شده در تحقیق حاضر، بیانگر آن است که تفاوت‌های نگرشی زنان شهر یزد به ابعاد مختلف ازدواج و تشکیل خانواده، برحسب متغیرهای زمینه‌ای نظیر سن و وضعیت تأهل، اگرچه در سطح دومتغیره، ارتباط آماری معناداری را نشان می‌دهد، اما در اکثر موارد، پس از کنترل چندمتغیره این ارتباط به کلی محو می‌شود. این نتایج اشاره بر آن دارد که تأثیر متغیرهای زمینه‌ای فوق، مستقل از تأثیر عوامل و متغیرهای فرهنگی و نگرشی ناچیز است. به بیان دیگر، به نظر می‌رسد که بخشی از تفاوت‌های مشاهده شده در ایده‌های ازدواج برحسب مشخصه‌هایی مانند سن، وضع فعالیت و وضعیت زناشویی عمدتاً از طریق متغیرهای فرهنگی و نگرشی نظیر فردگرایی، خودتحقق‌بخشی و سرمایه فرهنگی تبیین می‌شود. این الگوی نتایج را باید چنین تفسیر نمود که تفاوت‌های سنی - نسلی مرتبط با ازدواج، درآمیخته با تغییرات ارزشی - فرهنگی گسترده‌تری بوده است که در دهه‌های اخیر، در جامعه ایران رخ داده است و در این میان، متغیرهای فرهنگی و نگرشی نظیر فردگرایی، خودتحقق‌بخشی و سرمایه فرهنگی اهمیت نسبی به مراتب بیشتری را در تبیین این تفاوت‌های نگرشی ایفا می‌کنند. این یافته همسو با نتایج پژوهش دیگری در شهر یزد است که بر اهمیت بیشتر متغیرهای نگرشی و ارزشی (درمقایسه با متغیرهای زمینه‌ای) در تبیین تفاوت سن ایده‌آل ازدواج مردان و زنان تأکید کرده است (عسکری‌ندوشن، عباسی‌شوازی و پیری‌محمدی ۱۳۹۵).

از جمع‌بندی کلی تحلیل‌های صورت گرفته در پژوهش حاضر، دو نتیجه کلیدی حاصل

می‌شود: نخست آن‌که، همانگونه که تحقیقات پیشین (عسکری‌ندوشن، عباسی‌شوازی و صادقی ۱۳۸۸) نیز اشاره کرده‌اند تفاوت‌های نگرشی مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد، چندان گسترده نیست. براساس ضرایب تعیین بدست آمده از مدل‌های رگرسیونی برآورد شده در این مطالعه، متغیرهای مستقل تحقیق روی هم‌رفته، در دامنه‌ای بین ۲ تا ۲۰ درصد از تفاوت‌ها و تغییرات مرتبط با ابعاد گوناگون نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده را در شهر یزد تبیین می‌کنند. در ابعاد پنج‌گانه نگرش به ازدواج که در این پژوهش مورد تحلیل قرار گرفت، ابعاد نگرش به تجرد؛ و نگرش به تأخیر ازدواج جوانان (به ترتیب با ۱۹/۷ و ۱۲/۸ درصد) از بالاترین واریانس تبیین شده از سوی متغیرهای مستقل برخوردار بودند و در مقابل، نگرش به ازدواج خویشاوندی کمترین واریانس تبیین شده را داشت. به تعبیر روشن‌تر، از میان ابعاد گوناگون نگرش به ازدواج در شهر یزد، متغیرهای مستقل بیشترین قدرت را برای تبیین تفاوت‌های نگرشی در زمینه تجرد و تأخیر ازدواج دارند و در بُعد نگرش به ازدواج خویشاوندی کمترین قدرت تبیین را داشت. سهم نسبتاً پایین متغیرهای مستقل تحت مطالعه در تبیین تفاوت‌های نگرشی به ابعاد گوناگون ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد مؤید همگونی نسبی نگرش‌های پاسخگویان و عدم تفاوت‌پذیری این نگرش‌ها برحسب متغیرهای مستقل است.

دومین نتیجه آن‌که، یافته‌های تحقیق حاضر، هماهنگ با آن دسته از تبیین‌های نظری است که تفاوت‌ها و تغییرات نگرشی ازدواج و خانواده را در کهکشان گسترده‌تر تحولات فرهنگی و ارزشی جوامع معاصر می‌نگرند. برخی از تئوری‌ها و تبیین‌های نگرشی مرتبط با تغییرات جمعیتی و خانواده، نظیر تئوری گذار دوم جمعیتی و نظریه تحول و دگرگونی فرهنگی و ارزشی اینگلهارت، بر فردگرایی و خودتحقق‌بخشی به عنوان مؤلفه‌های مهم تبیین‌گر تغییرات ارزشی و رفتاری ازدواج و خانواده تأکید دارند. در سالیان اخیر، مقارن با تحولات اقتصادی-اجتماعی جامعه ایران، به نظر می‌رسد تغییرات نوظهور ارزشی و فرهنگی، از جمله در قلمرو ارزش‌های فردگرایی و خودتحقق‌بخشی در زندگی فردی و خانوادگی ایرانیان در حال گسترش است. اما در عین حال، پای‌بندی به ارزش‌ها و ایده‌آل‌های مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده به ویژه در بستر اجتماعی مطالعه حاضر، همچنان بسیار نیرومند و پابرجاست. به این معنی که، ازدواج و تشکیل خانواده در زندگی اکثریت قریب به اتفاق مردم در جامعه ایران و به ویژه شهر

یزد، یک هدف محوری و یک رویداد مهم زندگی به شمار می رود که در مورد آن برنامه ریزی، سرمایه گذاری و تمهیدات سنگینی از طرف فرد و خانواده صورت می پذیرد. در نتیجه، نوعی وجود همزمان پای بندی به ارزش ها و ایده آل های مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده از یکسو و تغییرات نوظهور ارزش های مرتبط با فردگرایی و خودتحقق بخشی از سوی دیگر اتفاق افتاده است. در این شرایط، افراد ضمن آن که پای بندی خود را به نهاد ازدواج و تشکیل خانواده حفظ کرده اند، گزینه های مختلف تصمیم گیری و برنامه ریزی زندگی خود را در ابعاد و زمینه های گوناگون مرتبط با ازدواج، با استقلال خواهی و آزادی طلبی بیشتر دنبال می کنند. با این وجود، چگونگی فرآیند ادغام و مواجهه نگرش ها، عقاید و اخلاقیات خانواده ایرانی با مؤلفه های ارزشی کلان و روبه گسترشی نظیر فردگرایی، خودتحقق بخشی و حتی طیف وسیعی از ارزش های اجتماعی - فرهنگی بررسی نشده در این پژوهش، نظیر اشاعه ایده های توسعه، برابری جنسیتی، فرامادی گرایی و ... مستلزم تحقیقات جداگانه ای در آینده است.

با وجود آنکه نتایج مطالعه حاضر، براساس آخرین داده های پژوهشی گردآوری شده، چشم اندازی را در خصوص حوزه های مختلف نگرش به ازدواج و خانواده در شهر یزد و عوامل تعیین کننده آنها ارائه نمود، اما باید به خاطر داشت که عناصر ارزشی و نگرشی در عین ثبات نسبی، به ویژه در دوران معاصر از سیالیت بالایی برخوردارند. به همین جهت، اجرای مطالعات طولی مستمر در قالب طرح پانل یا طرح های مطالعاتی سری - زمانی به منظور رصد و پایش مستمر تحولات نگرشی و ارزشی خانواده در طول زمان، و شناسایی عوامل مهم و تعیین کننده آن اهمیت بسزائی دارد. از اینرو، ضرورت دارد که محققان علاقمند و مراکز پژوهشی مرتبط نسبت به انجام مطالعات نظام مند در این جهت برنامه ریزی و اقدام نمایند. علاوه بر این، یک محدودیت مطالعه حاضر آن است که نتایج تحقیق حاضر، صرفاً محدود به شهر یزد است و هرگونه تعمیم آن به دیگر نقاط کشور، باید با احتیاط بسیار صورت گیرد. با توجه به اهمیت بنیادین ازدواج و خانواده، اجرای مطالعات ملی به منظور درک و شناخت صحیح و علمی از تغییرات ارزشی و رفتاری ازدواج و خانواده در ایران ضرورت اساسی دارد و لازم است مراکز آماری ملی و نهادهای مرتبط، سرمایه گذاری های مورد نیاز برای اجرای چنین طرح های ملی را در اولویت خود قرار دهند.

منابع

- ترابی، فاطمه و عباس عسکری ندوشن (۱۳۹۱). پویایی ساختار سنی جمعیت و تغییرات ازدواج در ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال ۷، شماره ۱۳، صص ۲۳-۵.
- ترابی، فاطمه، عباس عسکری ندوشن و ملیحه علی‌مندگاری (۱۳۹۵). تحولات ازدواج و خانواده در ایران، در گزارش: وضعیت و تحولات جمعیت در جمهوری اسلامی ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- حبیب‌پور گنابی، غلامرضا غفاری (۱۳۹۰). علل افزایش سن ازدواج دختران، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان). دوره ۹، شماره ۱، ۳۴-۷.
- حسینی، حاتم (۱۳۹۱). تفاوت‌های قومی در رفتارهای ازدواج زنان و نگرش آن‌ها نسبت به ازدواج دختران در شهرستان ارومیه، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال پنجم، شماره ۹، صص ۲۸-۷.
- حسینی، حاتم، مریم گراوند (۱۳۹۲). سنجش عوامل مؤثر بر شکاف رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج در شهر کوه‌دشت، نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۱۱۸-۱۰۱.
- خواجه نوری بیژن و مریم‌السادات دل‌آور (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر دوستی دختر و پسر در بین جوانان شهر شیراز با تاکید بر فرآیند جهانی شدن، جامعه‌شناسی کاربردی. دوره ۲۳، شماره ۲ (پیاپی ۴۶)، صص ۶۴-۴۱.
- رازقی نصرآباد، حجه بی‌بی و لیلیا فلاح‌نژاد (۱۳۹۶). تفاوت‌های نسلی ارزش ازدواج: مورد مطالعه شهر هشتگرد، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۹، شماره ۷۵، صص: ۸۴-۶۳.
- سرایبی، حسن (۱۳۸۵). تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۲، صص ۶۰-۳۷.
- سرایبی، حسن (۱۳۸۷). گذار جمعیتی دوم با نیم‌نگاهی به ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی، سال سوم، شماره ۶، صص: ۱۱۸-۱۴۰.
- صادقی، رسول، علی محمد قدسی و جواد افشارکهن (۱۳۸۶). واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه حل، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۰۸-۸۳.
- عباسی شوازی، محمدجلال و سعید خانی (۱۳۸۸). الگوهای ازدواج، قومیت و مذهب: بررسی موردی زنان ازدواج کرده در شهر قروه، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۸، صص ۸۶-۶۷.
- عباسی شوازی، محمدجلال و عباس عسکری ندوشن (۱۳۸۷). آرمان‌گرایی در توسعه و نگرش‌های مرتبط با خانواده در ایران (مطالعه موردی شهر یزد)، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۴، صص ۷۲-۴۹.

عوامل تعیین کننده نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد ۱۵۹

- عباسی شوازی محمدجلال و فاطمه ترابی (۱۳۸۵). تفاوت های بین نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران، *مجله جامعه شناسی ایران*، دوره : ۷، شماره : ۴، صص ۱۴۶-۱۱۹.
- عباسی شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (۱۳۸۴). قومیت و الگوهای ازدواج در ایران، *پژوهش زنان*، دوره ۳، شماره ۱، صص ۴۷-۲۵.
- عسکری ندوشن، عباس، محمدجلال عباسی شوازی و رسول صادقی (۱۳۸۸). مادران، دختران و ازدواج: تفاوت های نسلی در ایده ها و نگرش های ازدواج در شهر یزد، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*. سال یازدهم، شماره ۴۴، صص ۳۶-۷.
- عسکری ندوشن، عباس، محمدجلال عباسی شوازی و مریم پیری محمدی (۱۳۹۵). سن ایده آل ازدواج و عوامل تعیین کننده آن در شهر یزد، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*. دوره ۱۸، شماره ۷۲، صص ۶۲-۳۵.
- علمدار، فاطمه السادات (۱۳۸۶). مساله ازدواج، سیاست ها و عملکردهای دولت، *کتاب زنان*، شماره ۳۵، صص ۹۹-۶۴.
- محمدپور، احمد، رسول صادقی، مهدی رضایی و لطیف پرتوی (۱۳۸۸). سنت، نوسازی و خانواده، مطالعه تداوم و تغییرات خانواده در اجتماع های ایلی با استفاده از رهیافت روش تحقیق ترکیبی، *پژوهش زنان*، دوره ۷، شماره ۴، صص ۹۳-۷۱.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳). سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۴، صص ۶۹-۸۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵-۱۳۹۰). نتایج سرشماری های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰.
- موحد، مجید، حلیمه عنایت و محمدتقی عباسی شوازی (۱۳۸۵). بررسی رابطه عوامل اجتماعی و فرهنگی با نگرش دانشجویان به معاشرت و دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره ۲۴، شماره ۲، پیاپی ۴۷، صص ۱۴۷-۱۶۵.
- میرسندهی، سیدمحمد و مصطفی محمدی قلعه سفیدی (۱۳۹۰). بررسی رابطه تحصیلات زنان با افزایش سن ازدواج آن ها و راهکارهای پیشگیری از آن با تاکید بر رویکرد اسلامی، *مجله فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*. شماره ۱۷، صص ۲۰۴-۱۷۹.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۲). *ارزش ها و نگرش های ایرانیان، یافته های پیمایش در ۲۸ استان کشور*، موج دوم، ویرایش اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح های ملی.

Abbasi-Shavazi, M. J., A. Askari-Nodoushan and A. Thornton (2012). Family Life and Developmental Idealism in Yazd, Iran. *Demographic*

Research, Vol 26, (Article 10): 207-238.

- Abbasi-Shavazi, M. J., P. McDonald and M. Hosseini-Chavoshi (2009). *The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction*, New York: Springer.
- Askari-Nodoushan, A., T. Aghayarihir, A. Ahmadi and A. Mehryar (2006). "Changing Mate Selection Pattern in Iran." *Paper Presented at the International Conference on Emerging Population Issues in the Asian-Pacific Region: Challenges for the 21st Century*. Mumbai, 10-13 December 2006.
- Bar-On, R. and J. D. A. Parker (2000), *Handbook of Emotional Intelligence*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Bartz, K. W, & F.L. Nye (1970), Early Marriage: A Prepositional Formulation, *Journal of Marriage and the Family*, 32 (2): 258-268.
- Ferguson, S. J. (2000). Challenging Traditional Marriage: Never Married Chinese American and Japanese American Women, *Gender and Society*, 14(1): 136-159.
- Glass, Jennifer. (1992). Housewives and Employed Wives: Demographic and Attitudinal Change, 1972-1986. *Journal of Marriage and the Family* 54(3): 559-69
- Good, W. J. (1963). *World Revolution and Family Patter*", New York: Free Press.
- Gubernskaya, Zoya (2010). Changing Attitudes toward Marriage and Children in Six Countries. *Sociological Perspectives*, 53(2): 178-200.
- Kazemi Z (2010). The Effect of Developmental Idealism on the Gap between Mothers and Daughters in their Attitudes towards Marriage and Family. *Journal of Family Research* 6(23): 299-312.
- Lesthaghe, R. and K. Neels (2002). "From the First to the Second Demographic Transition: An Interpretation of the Spatial Continuity of Demographic Innovation in France, Belgium and Switzerland, *Journal of Population* 18, Pp. 325-360
- Lichter, D. T., D. K. McLaughlin, G. Kephart, and D. J. Landry (1992). Race and the Retreat from Marriage: A Shortage of Marriageable Men? *American Sociological Review* 57(6): 781-799.
- Makiko, M. (2014). Work-family Conflict and Attitudes toward Marriage و *Journal of Family Issues*, 35(6), 731-754

- Malhotra, A., A. Tsui., and V. de Silva, (1999). Mothers, Daughters and Marriage: Explaining Similarity in Generational Perceptions in Sri Lank", *Journal of Comparative Family Studies* 30(2): 219-241.
- Martin, P.d., D. Martin, , M. Martin, (2003). Adolescent Premarital Sexual Activity, Cohabitation, and Attitudes Toward Marriage *Adolescence* 36(143): 601-609.
- McDonald, P. (2006). Low Fertility and the State: The Efficacy of Policy, *Population and Development Review* 32(3): 485-510.
- Mehryar, A.H., H. Agha, and S. F. Mostafavi. (2002). *Men and Family Planning in Shiraz, Iran: A Summary of Main Findings*. Institute for Research on Planning and Development, Tehran, Iran.
- Minh, Nguyen Hun (1997). Age at First Marriage in Vietnam: Patterns and Determinants, *Asia-Pacific Population Journal*, 12(2): p 49-74.
- Mitra, P. (2004). Effect of socio-economic characteristics on age at marriage and total fertility in Nepal, *Journal of Health and Population*, 22(1): 84-96.
- Quisumbing, A. R. and K. Hallman (2003). *Marriage in Transition: Evidence on Age, Education and Assets from Six Developing Countries*. New York: Population Council.
- Retherford, R. D., N. Ogawa and R. Matsukura. (2001). Late Marriage and Less Marriage in Japan. *Population and Development Review* 27(1): 65-102.
- Rosina, A. and R. Fraboni, (2004) Is marriage losing its centrality in Italy?, *Demographic Research*, 11, Pp. 149-172.
- Strange, H.(1975). Continuity and change patterns of mate selection and marriage ritual in a maly village, *Journal of Marriage and the Family*, 38(3): 561-571.
- Tashakkori, A. and V.D. Thompson (1988). Cultural Change and Attitude Change: An Assessment of Postrevolutionary Marriage and Family Attitudes in Iran, *Population Research and Policy Review* 7(1): 3-27 .
- Thornton, A. and D. Freedman (1982). Changing Attitudes toward Marriage and Single Life, *Family Planning Perspectives*, 14(6): 297-303.
- Thornton, A., S. F. Dorius, and J. Swindle (2015). Developmental Idealism: The Cultural Foundations of World Development Programs, *Sociology of Development*, 1(2): 277-320.

- Thornton, A (2001). The Developmental Paradigm, Reading History Sideways, and Family Change, *Journal of Demography*, 38(4) 449-465.
- Thornton, A (2005). *Reading History Sideways: The Fallacy and Enduring Impact of the Developmental Paradigm on Family Life*. Chicago, IL: University of Chicago press.

Archive of SID